

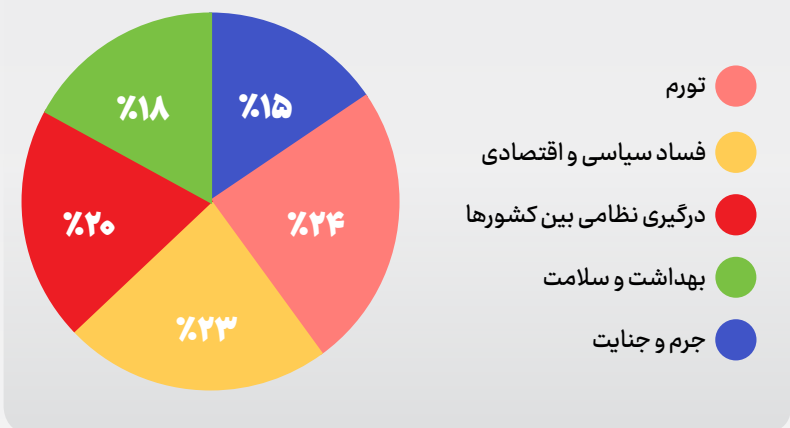
حال بد آمریکایی‌ها

بر اساس نتایج نظرسنجی مؤسسه اپسوس نگرانی از آینده در صدر دغدغه‌های افکار عمومی مردم آمریکا قرار دارد

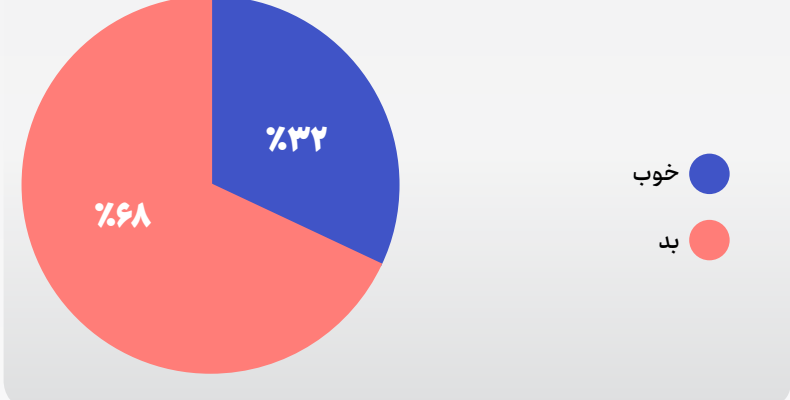
نتایج یک نظرسنجی درباره مهم‌ترین نگرانی‌های شهروندان آمریکان نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از پاسخگویان، وضعیت اقتصادی و مسیر کلی حرکت کشورشان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند. این نظرسنجی که با عنوان «نتایج نظرسنجی مؤسسه اپسوس از شهروندان آمریکا درباره مهم‌ترین نگرانی‌های‌شان» منتشر شده، تصویری از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی مردم آمریکا ارائه می‌دهد؛ تصویری در آن، نارضایتی اقتصادی، نگرانی‌های سیاسی و مسائل مرتبط با امنیت اجتماعی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. براساس داده‌های این بررسی، ۶۸ درصد از پاسخگویان وضعیت اقتصادی آمریکا را «بد» توصیف کرده‌اند؛ در مقابل، تنها ۳۲ درصد آن را «خوب» دانسته‌اند. این فاصله قابل توجه نشان می‌دهد برداشت عمومی از شرایط اقتصادی، با وجود شاخص‌های رسمی و ادعاهای دولتمردان درباره رشد یا ثبات اقتصادی، همچنان عمدتاً منفی است.

چنین ارزیابی‌ای می‌تواند بازتابی از فشارهایی باشد که شهروندان در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند؛ از افزایش هزینه‌های مسکن و خدمات درمانی گرفته تا دشواری تأمین معیشت، نگرانی درباره اشتغال و کاهش قدرت خرید. درواقع، نظرسنجی بیش از آن‌که صرفاً تصویری از اعداد اقتصادی ارائه دهد، برداشت مردم از کیفیت زندگی و امنیت مالی‌شان را منعکس می‌کند. در بخش دیگری از این نظرسنجی، از پاسخگویان درباره مهم‌ترین نگرانی‌های‌شان پرسیده شده است. در میان گزینه‌های ارائه شده، «تورم» با ۲۳ درصد در جایگاه نخست قرار دارد. این رقم نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها همچنان اصلی‌ترین دغدغه اقتصادی مردم آمریکاست و با وجود اجرای سیاست‌های مختلف برای مهار آن، فشار معیشتی ناشی از گرانی همچنان در زندگی شهروندان احساس می‌شود.

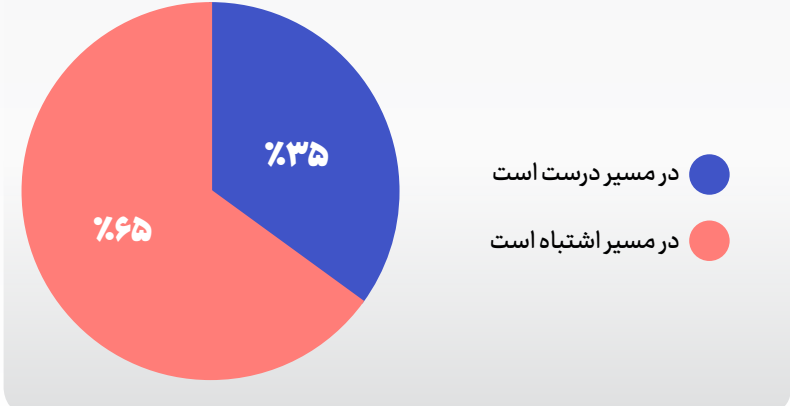
نظر پاسخگویان در خصوص مهم‌ترین نگرانی آنها (درصد)



نظر پاسخگویان در خصوص وضعیت اقتصادی آمریکا (درصد)



نظر پاسخگویان در خصوص درست‌ی مسیر امور آمریکا (درصد)



پیشخوان

پردازش مشارکتی هیجان

«کوچک اما پریهاو»؛ با عواطف شدید بچه‌ها چه کنیم؟ نویسنده: آلیسا یلاسک کمپبل مترجم: نگار شاطریان نشر: بیدگل سال انتشار: ۱۴۰۴



کتاب «کوچک اما پریهاو» نوشته آلیسا یلاسک کمپبل با همکاری لورن الیزابت استابل، راهنمایی عملی والدین برای کودکان از نوزادی تا حدود هشت سالگی است؛ دوره‌ای که کودک هنوز توان کامل زبان‌آوری، کنترل تکانه و تنظیم هیجان را ندارد. کتاب به رفتارها و موقعیت‌های فرساینده‌ای مانند قشقرق، گریه، پرخاشگری، گاز گرفتن، مقاومت در خواب یا انجام خواسته‌های روزمره می‌پردازد و تلاش می‌کند نگاه والد را به این رفتارها تغییر دهد. نویسندگان تأکید می‌کنند آنچه اغلب «لجبازی» یا «نافرمانی» نامیده می‌شود، ممکن است نشانه ناتوانی کودک در مدیریت خشم، ترس، خستگی، ناامیدی یا شرم باشد. کودک شاید در اصل بخواهد همکاری کند اما زیر فشار هیجان شدید، موقتاً توان انجام آن را از دست می‌دهد. بنابراین رفتار فقط سطح بیرونی مسأله است و در لایه زیرین آن، احساسی مهار نشده قرار دارد. هسته کتاب روشی با عنوان «پردازش مشارکتی هیجان» است که تنها کودک را موضوع تربیت نمی‌داند بلکه واکنش والدینز مهم می‌شمارد. بزرگسال برای آموزش خود تنظیمی به کودک، ابتدا باید محرک‌ها و واکنش‌های هیجانی خود را بشناسد و میان واکنش غریزی و پاسخ‌سنجیده فاصله بیندازد. کتاب با مثال‌های روزمره درباره قشقرق، اضطراب جدایی، مدرسه، خواب، روابط میان خواهر و برادرها، طلاق، مرگ و تولد فرزند جدید، راهکارهایی قابل اجرا ارائه می‌دهد.

در جهت عکس

کمال الملک در شهر

مراسم رونمایی از مجسمه کمال‌الملک نقاش نام‌آور ایرانی، دیروز و با حضور مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران و محسن امیدیان، شهردار منطقه ۲۱، در میدان کمال‌الملک تهران برگزار شد.



عکس: مهرداد بلندی / ایسنا

جهان

صنعا سبز شد

■ آسمان صنعا پایتخت یمن و دیگر استان‌های این کشور هم‌زمان با جشن و شادمانی مردم به مناسبت میلاد پیامبر (ص) با آتش بازی‌های گسترده روشن شد.



کیوارکد را اسکن کنید

رونمایی از سامانه چینی

■ ارتش چین اخیراً یک آزمایش با شلیک واقعی برگزار کرد که در جریان آن، یک سامانه متحرک چندموشکه تولید دود آژوسل مورد آزمایش قرار گرفت.



کیوارکد را اسکن کنید

ربات نظافتچی به خانه‌ها رسید

■ ورود ربات‌های انسان‌نمای نظافتچی به خانه‌های سان‌فرانسیسکو، فناوری‌های آینده‌نگر را وارد زندگی روزمره کرده است.



کیوارکد را اسکن کنید

حادثه

آتش در خیابان

■ ساکنان شهری در تونس، پس از غرق شدن قایقی حامل ۱۵ مهاجر تونس، دست به اعتراض زدند.



کیوارکد را اسکن کنید

دور دنیا

چرانسل Z شیفته یک گاو شد؟

یک گوساله نر دست و پا چلفتی با گرافیکی شبیه بازی‌های رایانه‌ای دهه ۱۹۹۰، بدون ذره‌ای تبلیغات رسمی و بوستر حرفه‌ای، این روزها سالن‌های سینمای چین را تسخیر کرده است.

اینمیشن مستقل «نیولای» (به معنای «گاو» که می‌آید) به پدیده‌ای کم‌سابقه در گیشه پرجمعیت‌ترین بازار سینمایی آسیا بدل شده؛ اثری که در کمال شگفتی توانسته پایه‌یای بلاک‌باسترهای پرهزینه‌ای چون «ادیس» کریستوفر نولان و جدیدترین قسمت «مرد عنکبوتی» بلیت بفروشد.

منتقدان از قاعده «آن قدر بد که عالی شده» برای توصیف آن استفاده می‌کنند و تماشاگران معتقدند در دورانی که همه چیز بی‌نقص و صیقل خورده است، این

گاو عجیب دوباره دیدی‌ای نجات بخش به شمار می‌رود. داستان خلق «نیولای» خود شبیه یک روایت سینمایی نامتعارف است. این اثر یک پروژه کاملاً خانوادگی است که توسط یک طراح فضای سبز و مادرش طی پنج سال ساخته شد؛ دو نفری که شخصاً فیلمنامه‌نویسی، طراحی بصری، انیمیشن‌سازی و حتی صداگذاری و موسیقی را با کمترین بودجه برعهده گرفتند. کیفیت فنی کار ابتدا چنان ضعیف به نظر می‌رسید که شرکت پخش‌کننده از اکران آن ناامید شده بود و در ۱۰ روز نخست، کل فروش فیلم تنها به ۳۰۰ بلیت رسید اما نقطه عطف زمانی رقم خورد که تماشاگران اولیه تصاویر

خنده‌دار و صحنه‌های پر از باگ فیلم را به «میم‌های اینترنتی» تبدیل کردند.

موج بازنشر این شوخی‌ها در فضای مجازی ناگاهان سالن‌ها را پر کرد. مدیران سینماها که حتی پوستر رسمی برای معرفی فیلم نداشتند، نقاشی‌های دستی از یک گاو زرد را روی دیوارها چسباندند. سالن‌های نمایش به فضایی کارناوالی بدل شد؛ جایی که جوانان همراه با هم فریاد می‌زدند، می‌خندند و فیلم را از یک شکست قطعی به موفقیتی با فروش نزدیک به پنج میلیون پورورساندند.

پناهگاهی در برابر فرسودگی و فشار اجتماعی

اما فراتر از یک شوخی اینترنتی، راز اصلی شیفتگی نسل Z چین به «نیولای» چیست؟ کارشناسان معتقدند این انیمیشن در نقطه مقابل تولیدات صنعتی هالیوود و ویدئوهای دستکاری شده با هوش مصنوعی ایستاده

است؛ محصولاتی بی‌عیب و نقص که برای جلب توجه تانیه‌ای طراحی شده‌اند.

در جامعه‌ای که جوانان با نرخ بیکاری حدود ۱۸ درصدی، رقابت مرگبار تحصیلی و فرسودگی ناشی از کمال‌گرایی سازمانی دست و پنجه نرم می‌کنند، «نیولای» پیام متفاوتی مخابره می‌کند. داستان ساده گوساله‌ای که با خطرات روبه‌رو می‌شود، مادری فداکار و پدیری غایب دارد و با دشمن طبیعی‌اش دوست می‌شود، نوعی اصالت بی‌آلایش دارد.

پیام ضمنی این پدیده برای نسلی خسته از استانداردهای دست‌نیافتنی روشن است: برای دوست‌داشتنی بودن نیازی نیست عالی یا بی‌نقص باشی؛ حتی اگر شبیه یک گوساله پیکسلی و عجیب باشی، باز هم می‌توانی جهان را به وجد بیاوری.

